اروپا و امریکا شخص پوتین را نشانه رفته‌اند

انفجار تنش غرب و روسیه در آسمان اوکراین

تحلیل
روح‌الله صالحی

اتهام دست داشتن مسکو در انهدام هواپیمای مسافربری مالزی، شبح جنگ را در مرزهای روسیه و اوکراین تشدید کرده است. هنوز جزئیات سقوط این هواپیما مشخص نشده بود که غرب شخص پوتین و استقلال طلبان را متهم ردیف اول این ماجرا معرفی کرد، اقدامی که تنش‌ها را در روابط دو طرف تشدید کرده است.

تحلیل‌ها در مورد حادثه مشکوک سرنگونی هواپیمای مالزیایی که روز پنج‌شنبه (۲۶ تیرماه) به مرگ تمام ۲۹۸ سرنشین آن منجر شد، همچنان ادامه دارد. هر یک از طرفین ماجرا (روسیه و غرب) دیگری را مقصر این رویداد معرفی می کند. هواپیمای بویینگ ۷۷۷ خطوط هوایی مالزی که ساعت ۱۲ ظهر روز پنج‌شنبه به وقت محلی از آمستردام به مقصد کوالالامپور به پرواز درآمده بود به طرز مشکوکی سرنگون شد. به گزارش رینووستی، این هواپیما ساعت پنج و ۲۰ دقیقه بعدازظهر به وقت مسکو، ۱۰ دقیقه قبل از ورود به حریم هوایی روسیه در محدوده مرزی ۶۰ کیلومتری در بخش گرابوو در منطقه شاختیورسک استان دونتسک در شرق اوکراین سرنگون شد. هواپیما به چند قسمت تقسیم شده و قطعات لاشه‌های آن در محدوده‌ای به شعاع یک کیلومتر در منطقه تحت کنترل شبه نظامیان استقلال‌طلب پراکنده شده است. در این هواپیما ۱۵۴ شهروند هلندی، ۲۷ استرالیایی، ۴۳ مالزیایی، ۱۲ اندونزیایی، ۹ بریتانیایی به همراه چهار آلمانی، چهار بلژیکی، سه فیلیپینی و یک کانادایی در پرواز ام. اچ ۱۷ حضور داشته‌اند که همگی کشته شده‌اند. ملیت ۴۱ مسافر دیگر این هواپیما هنوز اعلام نشده است. برخی رسانه‌ها نیز از وجود ۲۳ مسافر امریکایی در این هواپیما خبر داده‌اند. نخست‌وزیر مالزی هفته گذشته اعلام کرد هواپیمای مسافربری خطوط هوایی این کشور هیچگونه پیامی به نشانه درخواست کمک مخابره نکرد و این مسئله موجب افزایش تردیدها درباره سرنگونی این هواپیما شده است. هنوز جزئیات سقوط این هواپیما تأیید نشده است اما استقلال‌طلبان طرفدار روسیه و دولت اوکراین یکدیگر را متهم به سرنگونی این هواپیما می کنند. غرب نیز معتقد است روسیه در این حادثه مسئول است که این اتهام از سوی مسکو رد شده و حتی واکنش جدی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را به همراه داشته است. به گفته مقامات اوکراینی، این هواپیما در ارتفاع ۱۰ هزار متری در حال پرواز بود که هدف اصابت یک موشک زمین به هوا قرار گرفت. اکنون فشارهای بین‌المللی بر روسیه افزایش یافته و بسیاری معتقدند مسکو باید از نفوذ خود بر روس‌گرایان اوکراین استفاده کند تا در تحقیقات مشخص شود که چه چیز یا کسانی در سقوط هواپیمای مالزیایی نقش داشته‌اند. حتی کشورهای غربی هفته گذشته در ادامه مداخلات خود در امور اوکراین مدعی شدند که روس‌گرایان در حال از بین بردن شواهد و اسناد مربوط به سقوط هواپیمای مسافری مالزی هستند.

■ فرضیات مطرح شده

اوکراین می گوید هواپیمای مسافربری مالزی را شبه نظامیان با یک موشک بوک (BUK) روسی سرنگون کرده‌اند. این موشک‌ها قادرند هدف خود را در ۲۵ کیلومتری از سطح زمین مورد اصابت قرار دهند. وزارت کشور اوکراین با انتشار یک نوار صوتی، مدعی شد که در این نوار، استقلال‌طلبان در حال صحبت در خصوص «مسافربری بودن هواپیما و بالا بودن تعداد افراد حاضر در آن» هستند. همچنین مقامات امنیتی اوکراین بدون ارائه جزئیات، دو افسر امنیتی روسیه را به دست داشتن در این حادثه متهم کردند. این درحالی است که سخنگوی جمهوری خودخوانده لوگانسک نیز هفته گذشته گفت هواپیمای مالزی را یک فروند جنگنده سوخو ـ ۲۵ نیروهای اوکراین سرنگون کرده‌اند. وی اعلام کرد شاهدان عینی حمله یک شکاری اوکراینی به هواپیمای مسافربری را مشاهده کردند و پس از حمله، هواپیمای مسافربری به چند قسمت تقسیم شده و سقوط کرده است. به گفته منابع اطلاعاتی امریکا، نیروهای حامی روسیه در شرق اوکراین احتمالاً این هواپیما را به جای یک هواپیمای باربری نظامی اوکراین اشتباه گرفته‌اند. چند هفته پیش هم یک هواپیمای ترابری اوکراین توسط استقلال طلبان مسلح سرنگون شد. در مقابل اتهامات اوکراین و غرب، روس‌ها نظر دیگری دارند. روس‌ها معتقدند اوکراین هواپیما را ساقط کرده و هدف این کشور نه سرنگونی هواپیمای مالزی بلکه هدفش انهدام هواپیمای پوتین بوده که از برزیل باز می گشته و این حادثه به فاصله ۴۰ دقیقه‌ای از زمان ورود هواپیمای پوتین به خاک اوکراین رخ داده است. با توجه به سنگینی رسانه‌ای فرضیه‌های مطرح شده از طرف غربی‌ها، برخی ناظران این تحلیل را مطرح می کنند غرب سعی دارد با فرستادن یک تیم بین‌المللی از بازرسان و کارشناسان هواپیمایی به اوکراین نقش روسیه را در انهدام این هواپیما پررنگ کرده و بتواند با تشدید فشارها علیه مسکو، نقش این کشور را در اوکراین کاهش دهد. پس از الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه، غرب اقدام عملی در مقابل کرملین نشان نداد و این عامل سبب شد تا غرب به دنبال بهانه‌ای باشد تا بتواند تاوان سهل انگاری خود را بپردازد و موضع جدی در مقابل روسیه اتخاذ کند. به گزارش رویترز، حتی پلیس فدرال امریکا (اف بی آی) نیز آمادگی خود را برای اعزام بازرسان خود به محل سقوط هواپیمای مسافربری مالزیایی اعلام کرده است. تلاش همه جانبه امریکا برای بررسی این حادثه نشان از عزم جدی واشنگتن برای محکوم کردن مسکو در مجامع بین‌المللی دارد.

> **تشدید بحران اوکراین روسیه را وارد جنگ محدود با دولت کی‌یف خواهد کرد. زیرا روسیه به هیچ وجه از اوکراین و شرق اروپا دست نمی کشد و اگر مجبور شود اوکراین را به غرب تقدیم کند، از هر ابزاری استفاده خواهد کرد تا اوکراین را همچون دیگ جوشانی حفظ کند تا در مواقع اضطراری از آن به نفع خود و علیه غرب استفاده کند**

■ تخریب پوتین اولویت اول غرب

همزمان با تشدید تنش در روابط روسیه و غرب بر سر بحران اوکراین، سرنگونی هواپیمای مسافربری مالزیایی زمینه‌ساز موج جدیدی از تشدید فشارها بر مسکو شده است. درحال حاضر، هر حادثه‌ای در اوکراین رخ می‌دهد، بی‌شک پای روسیه و غرب به میان می آید و دو طرف یکدیگر را به تشدید بحران متهم می کنند. امریکا که به دلیل بحران اوکراین روابط خود با روسیه را به پایین‌ترین سطح خود از پایان جنگ سرد کاهش داده است، در مطرح کردن چنین اتهاماتی پیشتاز است. جوسازی غرب علیه روسیه و متهم کردن این کشور همواره یکی از ابزارهای تبلیغاتی غرب بوده است. فقط چند ساعت پس از اعلام خبر سقوط فاجعه‌آمیز این هواپیما و حتی پیش از آنکه تحقیقات مستقل بین‌المللی در این زمینه آغاز شود، رسانه‌های غربی در حرکتی کاملاً هماهنگ، انگشت اتهام را به سوی ولادیمیر پوتین نشانه رفتند. آنان اعلام کردند این حمله قطعاً توسط استقلال طلبان اوکراین انجام شده است و این گروه‌ها تحت حمایت روسیه هستند و از آن کشور تسلیحات دریافت می کنند. اینک سقوط هواپیمای مالزی سبب شده تا غرب بار دیگر انگشت اتهام را به سوی مسکو و شخص پوتین روانه کند تا بتواند از کاه کوهی ساخته و جامعه بین‌المللی را علیه روسیه متحد کند. باراک اوباما، رئیس‌جمهور امریکا در سخنانی گفت حادثه هواپیمای مالزیایی نشان داد کشورهای اروپایی باید توان نظامی خود را تقویت کرده و به امریکا نزدیک‌تر شوند. این امر بر کسی پوشیده نیست که حضور پوتین در هرم قدرت روسیه، هژمونی غرب را در منطقه به چالش می کشد و این با اهداف جهانی غرب در تضاد است. از این‌رو، غرب سعی دارد تا با استفاده از بحران به دست آمده به تخریب شخصیت پوتین دست زده و بتواند به اهداف خود جامه عمل بپوشاند. مقامات امریکایی و اروپایی می گویند، سقوط هواپیمای مالزیایی آخرین فرصت پوتین است تا موضع و استراتژی خود را درباره اوکراین تغییر دهد و از حمایت روس‌گرایان دست بکشد.

به نظر می‌رسد در سایه سقوط هواپیمای مالزیایی تخریب شخصیتی پوتین به اولویت اصلی رهبران کاخ سفید تبدیل شده است. تخریب پوتین از طرف امریکا اقدام جدیدی نیست و حتی در زمان انتخابات ریاست جمهوری روسیه در مارس ۲۰۱۲ نیز واضح بود تظاهراتی که ضد پوتین در شهرهای روسیه برگزار شد از سوی غرب هدایت می‌شد تا جلوی بازگشت دوباره پوتین به قدرت را بگیرد. اکنون افزایش قدرت پوتین و رقابت مسکو با غرب و به چالش کشیدن هژمونی امریکا در خاورمیانه و اوکراین دلیلی بر این ادعاست که غرب می‌خواهد تا پوتین از رأس قدرت در روسیه کنار برود. زیرا در این صورت موضع مسکو در شرق اوکراین تعدیل خواهد شد و این یک برگ برنده برای امریکا و متحدان اروپایی‌اش خواهد بود تا به مهم‌ترین هدفشان یعنی قطع پای روسیه از تمام ممالک اروپایی پس از جنگ جهانی دوم دست پیدا کنند. با حادثه انهدام هواپیمای مالزی، غرب تلاش دارد از این حادثه برای پیشبرد سیاست ضدروسی خود در معادلات جاری در شرق اروپا بر محور جدایی اوکراین از روسیه و زمینه‌سازی برای تحقق سیاست توسعه به شرق ناتو نهایت استفاده را ببرد. به باور برخی کارشناسان در نهایت، تشدید بحران اوکراین روسیه را وارد جنگ محدود با دولت کی‌یف خواهد کرد. زیرا روسیه به هیچ وجه از اوکراین و شرق اروپا دست نمی کشد و اگر مجبور شود اوکراین را به غرب تقدیم کند، از هر ابزاری استفاده خواهد کرد تا اوکراین را همچون دیگ جوشانی حفظ کند تا در مواقع اضطراری از آن به نفع خود و علیه غرب استفاده کند. زیرا کشورهای بزرگ برای کسب منافع در مناطق مورد مناقشه همواره سعی می کنند تا اگر خودشان منافعی را در آن منطقه به دست نیاورند رقیب را نیز از این نعمت بی‌بهره بگذارند.

تشکیل کمیته تحقیق ویژه درباره جنایات بین‌المللی رژیم صهیونیستی

پرونده
دکتر نادر ساعد

در شرایطی که جامعه بین‌المللی ۱۷ روز جنگ تجاوزکارانه و جنایات جنگی و علیه بشریت از سوی رژیم‌صهیونیستی را علیه مردم غزه با سکوت گذراند، ابتکارعمل دولت فلسطین و حمایت گسترده و نظام مند برخی دولت‌های اسلامی، ظرفیت‌های شورای حقوق بشر را علیه این اقدامات و جنایات به کارگیری نمود. استفاده از سازمان‌های منطقه‌ای و شبکه‌های فراگیر ضدسلطه نظیر کنفرانس اسلامی و جنبش عدم‌تعهد، پشتوانه‌های لازم را ایجاد کرد تا خواسته دولت‌های حامی فلسطین به ویژه در دستیابی به نتیجه‌ای در حد یک قطعنامه بین‌المللی علیه رژیم متجاوز و اشغالگر به بار بنشیند.

بدین ترتیب، شورای حقوق بشر بنا به درخواست سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد و اعضای گروه‌های عربی و آفریقایی این شورا و همچنین اصرار دولت فلسطین که مقام ناظر در شوراست، با تشکیل نشست فوق العاده در ۲۳ ژوئیه در رابطه با تجاوز رژیم‌صهیونیستی به نوار غزه موافقت کرد و در خاتمه این نشست نیز قطعنامه‌ای را با اکثریت آرا یعنی ۲۹ رأی موافق در مقابل ۱۷ رأی ممتنع (از جمله ۱۳ عضو اتحادیه اروپا) و تنها یک رأی مخالف (امریکا) علیه رژیم‌صهیونیستی تصویب کرد. نکته جالب توجه، جو ضدصهیونیستی این نشست، مخالفت جدی با اقدامات رژیم‌صهیونیستی و تأثر اعضا از حجم قربانیان غیرنظامی حملات ۱۷ روزه این رژیم بود. در این نشست، مقامات مختلف سازمان ملل متحد اعم از کمیسر عالی حقوق بشر، دستیار دبیرکل ملل متحد در امور بشردوستانه، جانشین مدیر امور حقوقی آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد، کمیته هماهنگی تدابیر ویژه شورای حقوق بشر و گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، به سخنرانی پرداخته و همگی بر ابعاد مختلف تخلفات رژیم‌صهیونیستی از موازین بین‌المللی حقوق بشر و بشردوستانه تأکید کردند. گزارشگر ویژه حقوق بشر تأیید کرد ۷۵ درصد قربانیان و مجروحان ناشی از اقدامات نظامی رژیم‌صهیونیستی علیه غزه را غیرنظامیان تشکیل داده‌اند. ۱۰ سازمان غیردولتی نیز در این نشست گزارش‌هایی را با مضامین ارتکاب جنگ تجاوزکارانه علیه مردم غزه و ارتکاب تخلفات فاحش از حقوق بشر و بشردوستانه در حد جنایات جنگی و لزوم محاکمه این جنایات، ارائه کردند. متأثر از همین جو ضدصهیونیستی بود که هیچ یک از اعضای شورا حتی حامیان راهبردی آن رژیم نیز از حمایت تمام عیار صرفنظر و از توجیه عملکرد آن در حمله به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی خودداری کردند. ضمن اینکه اکثریت اعضای شورا، نقض اساسی حقوق بین‌المللی توسط این رژیم را در قالب‌های حقوقی نظیر وقوع جنگ تجاوزکارانه و تهاجمی به غزه، نقض موازین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در رفتار با غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی و اهداف تحت حمایت خاص (از جمله بیمارستان‌ها) محکوم کردند و فراتر از آن، احتمال ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را جدی شمردند و به همین دلیل، تشکیل کمیته بین‌المللی و مستقل تحقیق در این زمینه را خواستار شدند. در همین رابطه، نماینده رژیم‌صهیونیستی که پس از ۲۰ ماه تحریم شورا از حضور در نشست‌های آن خودداری می کرد، در این نشست حاضر شد و تمامی تلاش‌های آن برای توجیه اقدامات تجاوزکارانه از طریق برچسب زنی به گروه‌های مقاومت راهی از پیش نبرد. نهایتاً دولت‌های اروپایی نیز از دادن رأی منفی به این قطعنامه خودداری کردند و امریکا را در این راه تنها گذاشتند.

بر اساس قطعنامه «تضمین رعایت حقوق بین‌الملل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از جمله شرق بیت المقدس» باید کمیته‌ای مستقل برای تحقیق در مورد نقض حقوق بشر و بشردوستانه در تهاجم رژیم‌صهیونیستی به نوار غزه تشکیل شود. این قطعنامه، بار دهرگونه ادعای دفاع مشروع توسط رژیم‌صهیونیستی، اقدامات نظامی این رژیم را «تهاجمی» تلقی کرده است. این جمع‌بندی در حالی به تصویب رسید که امریکا و اغلب اعضای اتحادیه اروپا تلاش کردند تهاجم گسترده نظامی به غزه را تحت عنوان دفاع مشروع توجیه نمایند. بر این اساس، فارغ از مسئله آتش‌بس و شرایط محتوایی یا زمانی تحقق آن، این کمیته مسئول بررسی تمامی موارد نقض حقوق بین‌الملل توسط رژیم‌صهیونیستی در طول جنگ تجاوزکارانه است که تا کنون طی ۲۰ روز علیه نوار غزه ادامه یافته است. تصویب این قطعنامه و شکل گیری این کمیته، جو روانی و فشار افکار عمومی بین‌المللی علیه رژیم‌صهیونیستی را بسیار تعمیق خواهد بخشید و از این رو، علاوه بر فراخوانی یا اخراج سفرای آن رژیم در کشورهای مختلف، مسئله شکل گیری مجدد کاروان‌های آزادی و شکست حصر غزه و همچنین تعقیب و مجازات بین‌المللی مقامات، فرماندهان و سربازان رژیم‌صهیونیستی به اتهام ارتکاب جنایات جنگی در محاکم ملی و بین‌المللی نیز در آینده برجسته‌تر خواهد شد، به ویژه اینکه دولت فلسطین صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را به رسمیت شناخته است.

مأموریت کری برای کنار زدن عبدالله عبدالله

مدیریت امریکایی برای عبور از «تقلب انتخاباتی» در کابل

رویکرد
محمد مجیدی

داشتن یک دولت مشروع و برخاسته از آرای مردم، خواسته دیرینه افغانستانی‌هاست که تاکنون محقق نشده است. پس از سقوط طالبان از قدرت در سال ۲۰۰۱ و روی کار آمدن دولت جدید و تکمیل نهادهای قدرت در افغانستان این انتظار وجود داشت که با گذشت ۱۳ سال در سومین انتخابات ریاست جمهوری انتقال دموکراتیک قدرت به صورت صلح‌آمیز صورت بگیرد، اما بروز تقلبات گسترده و با قطع همکاری و ارتباط تیم دکتر عبدالله با کمیسیون‌های انتخاباتی و دست داشتن تعدادی از مقامات کمیسیون انتخابات در تقلب و تخلفات متعدد، نگرانی‌ها در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش یافت. با توجه به بحرانی شدن فضای سیاسی جامعه افغانستان و بروز ناآرامی‌های مدنی و وجود زمینه گسترش آن در کل جامعه که نمونه آن شعارهای تند نامزدان علیه همدیگر و حتی علیه حامد کرزی رئیس‌جمهور فعلی افغانستان و نگرانی امریکایی‌ها از فروپاشی دستاوردهای شان که عمدتاً نگرانی این کشور به دلیل امضای قرارداد امنیتی کابل-واشنگتن بود، جان کری وزیر خارجه امریکا به کابل سفر کرد و با دکتر عبدالله، اشرف غنی و حامد کرزی گفت‌وگو و سپس مذاکرات سه جانبه برگزار کرد. در واقع سفر جان کری پس از آن صورت گرفت که تیم دکتر عبدالله بر مواضعش نظیر باز شماری ۱۱ هزار محل رأی، بی‌اعتمادی به کمیسیون‌های انتخاباتی و تقلب آشکار آنان در انتخابات، تقلب ۲/۵ میلیون رأی و اعاده حیثیت انتخاباتی تأکید کرد و همین امر به نوعی نشان داد که هواداران و رهبران تیم اصلاحات و همگرایی قصد کوتاه آمدن از مواضع خود را ندارند و احتمال بروز هرج و مرج و ناآرامی‌ها زیاد است.

در این میان اشرف غنی رهبر تیم تداوم و تحول مدعی بود که پیروز انتخابات است و به‌رغم احترام به دکتر عبدالله باید نتایج اعلام شده از سوی کمیسیون‌های انتخاباتی را قبول کند و هرگونه حرکت فرا قانونی نقض قانون اساسی شمرده می‌شود و همچنین تأکید کرد ما اجازه نمی‌دهیم دولت موازی تشکیل شود و با هرگونه زورگویی و اقدامات یکجانبه و فرا قانونی مخالفیم. موازی با مواضع کاندیداها، حامد کرزی تأکید کرد اساساً بحران انتخاباتی در افغانستان وجود ندارد و در انتخابات هر کشوری، میزانی از تقلب رخ می‌دهد و از این طریق سعی می کرد به نوعی فضا را آرام نموده و بر تحلیف مراسم رئیس‌جمهوری جدید در موقع مقرر (پنج روز پس از عید فطر) تأکید کند و در عین حال دکتر عبدالله را به پایبندی به قانون اساسی ملتزم می‌ساخت.

بنابراین در چنین فضایی امریکایی‌ها در تلاش بودند تا از طریق سناتورهای خود از جمله جان مک کین و لینزی گراهام یا جیمز دابینز فرمانده امریکایی نیروهای ائتلاف بین‌المللی و جیمز کینگهام سفیر امریکا در افغانستان فضا را مدیریت و آرام کرده و به نوعی دکتر عبدالله را مجاب به قبول نتایج اعلام شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات کنند. ابتدا جان کری تهدید کرد که هر گونه اقدام فرا قانونی یا تشکیل دولت موازی موجب قطع کمک‌های جامعه جهانی خواهد شد و جرج ایرنست سخنگوی کاخ سفید نیز تأکید کرد نباید به روند انتخابات افغانستان، اتهامات بی‌اساس زده شود. اما مجموعه تهدیدات از سوی امریکایی‌ها از یک طرف و تأکید تیم دکتر عبدالله، حاج محمد محقق معاون دوم و عطا محمد نور والی قدرتمند بلخ از طرف دیگر، امریکا را وادار کرد از طرق و روش‌های دیگر نظیر برگزاری نشست با دکتر عبدالله و اشرف غنی و نیز حامد کرزی به نوعی به توافقاتی دست یابند که حاصل این مذاکرات توافق بر سر تفتیش کل آرا، تشکیل دولت وحدت ملی و رسیدگی به تمامی اتهامات و شکایات وارده بود که از سوی کاندیداها و رئیس‌جمهور افغانستان استقبال شد. به طور حتم هدف واقعی امریکا این بود که به نوعی دکتر عبدالله و تیم وی را آرام کرده و وانمود کند به دنبال حل و رفع بحران انتخاباتی افغانستان است به ویژه این که سازمان ملل و اتحادیه اروپا، آلمان و انگلیس ضمن اذعان به تقلب در انتخابات، از ایجاد دولت وحدت ملی استقبال کرده‌اند.

هرچند با تلاش جان کری بین اشرف غنی و دکتر عبدالله برای باز شماری کل آرا توافق شد و قرار شد مراسم تحلیف رئیس جدید به تعویق بیفتد و پس از بازشماری آرا طی سه هفته آینده و اعلام کاندیدای پیروز، دولت وحدت ملی تشکیل شود، اما واقعیت‌های صحنه افغانستان و سیاست‌های دوگانه و مبهم امریکا، حاکی از آن است که حل واقعی و اساسی بحران مدنظر غربی‌ها و امریکایی‌ها نیست.

با ایجاد دولت وحدت ملی، چالش‌ها و تهدیدات گوناگونی که افغانستان با آن رو به رو است، به نوعی حل و رفع می‌شود، به ویژه که طی ماه‌های اخیر چالش‌های سیاسی از یک طرف و تهدیدات طالبان در هلمند، قندهار، فراه، غور، خوست و به طور کلی در ولایات جنوبی و جنوب شرقی، از طرف دیگر در حال گسترش بوده و به نوعی با تشکیل دولت وحدت ملی زمینه‌های ثبات و آرامش در افغانستان فراهم می‌شود اما نشانه‌های واقعی مبنی بر ایجاد دولت وحدت ملی وجود ندارد و این یک طرح اعلامی ـ تبلیغی برای خروج از بن‌بست انتخاباتی است.

سفر جان کری به کابل و موافقت کاندیداها با طرح امریکا و حمایت حامد کرزی از این توافقات، به نوعی در کوتاه مدت موجب رفع بن بست انتخاباتی خواهد شد و حتی این تفکر در جامعه افغانستان به‌وجود آمده که انتقال قدرت و ایجاد یک دولت پایدار با نام دولت وحدت ملی در افغانستان به‌وجود خواهد آمد، اما به نظر می‌رسد تمام این توافقات برای آرام شدن فضای سیاسی و عبور از بن بست انتخاباتی به‌وجود آمده و به نوعی برای مدیریت تیم دکتر عبدالله و هواداران معترض آنان صورت می گیرد. اگر کمی به گذشته برگردیم، حامد کرزی در سال ۲۰۰۹ در یک رقابت انتخاباتی تنگاتنگ با دکتر عبدالله به آسانی نتوانست جایگاهش در ارگ را برای بار دوم تثبیت کند چراکه بیش از یک و نیم میلیون آرای وی توسط سازمان ملل باطل اعلام شد و انتخابات با تقلب گسترده همراه بود تا اینکه هیلاری کلینتون به عنوان یک میانجی به کابل آمد و قرار شد انتخابات به دور دوم برود، اما با کناره‌گیری دکتر عبدالله (به دلیل اعتقاد به نواقص زیاد در سیستم انتخاباتی و کمیسیون‌های انتخابات) حامد کرزی برای بار دوم به ریاست جمهوری رسید.

واقعیت‌های صحنه افغانستان و سیاست‌های دوگانه و مبهم امریکا، حاکی از آن است که حل واقعی و اساسی بحران، مدنظر غربی‌ها و امریکایی‌ها نیست. همچنین باید گفت اساساً دولت وحدت ملی واقعیت ندارد چراکه به نظر می‌رسد گفت‌وگوهایی که باید در این خصوص صورت بگیرد یا نشانه‌هایی مبنی بر برنامه‌ای برای انجام مذاکرات رسمی برای سهم‌دهی و توافق بر سر پست‌های مهم حکومتی برگزار شود، وجود ندارد. به همین جهت به نظر می‌رسد از یکسو طرح ایجاد دولت وحدت ملی پیش از آنکه یک طرح واقعی باشد، یک حرف است و اساساً، مسئله دولت وحدت ملی افغانستان یک دستور کار برای رفع مسائل نیست، بلکه دستور کاری برای تشکیل دولت آقای اشرف غنی است؛ طوری که وانمود شود بررسی کل آرا و شمارش مجدد آن صورت گرفته و به نوعی دکتر عبدالله را داوطلبانه کنار بزنند و حتی پیش‌بینی می‌شود، این به حاشیه راندن، کل جبهه تیم اصلاحات و همگرای را در بر بگیرد. از سوی دیگر امریکایی‌ها نیز بیش از آنکه به دنبال حل مسائل و رفع ابهامات باشند، به دنبال مجاب کردن تیم دکتر عبدالله و مدیریت صحنه سیاسی به نفع اشرف‌غنی هستند چراکه مهم‌ترین دغدغه واشنگتن، عقد قرارداد امنیتی کابل ـ واشنگتن و در مرحله بعد سهیم ساختن بخشی از طالبان به اصطلاح میانه‌رو، در ساختار قدرت آینده افغانستان است که به نظر می‌رسد با روی کار آمدن اشرف غنی این توافق به احتمال زیاد عملیاتی خواهد شد.